


## ■ چکیده

حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی طی دوره دوم قاجاریه بسیار چشمگیر بوده است و برخلاف دیدگاه رایج، که معتقد است زنان در دوره قاجاریه بنابر سنتهای رایج هیچ‌گونه فعالیتی در اجتماع نداشته و فعالیتهای آنان عمدتاً به امور خانه‌داری محدود می‌شده است، اما آنان فعالانه در مقاطعی حساس از تاریخ معاصر ایران نقش حساس خود را ایفا کرده‌اند. عمده فعالیتهای اجتماعی زنان در عرصه عمومی به سال‌های بعد از انقلاب مشروطه بر می‌گردد. زنان همیشه در جامعه حضور داشتند و به ایفای نقش می‌پرداختند، اما مشکل خاصی از ارتباط حقوق و تکالیف شکل گرفت که متفاوت از گذشته بود. هدف از این مقاله بررسی فعالیتهای اجتماعی زنان در دوره دوم قاجاریه (دوران ناصری و مظفری) است. در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی فعالیتهای اجتماعی زنان در دوره مذکور پرداخته است.

### کلیدواژه‌ها

ایران، قاجاریه، زنان، فعالیتهای اجتماعی.



## نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی زنان در دوره دوم قاجاریه (بررسی موردی تهران)

سلمان قاسمیان<sup>۱</sup> و مصطفی ملایی<sup>۲</sup>

### مقدمه

با بررسی اسناد و منابع موجود، متوجه نقش ویژه زنان در تحولات تاریخی این دوره به خصوص در تهران، به عنوان پایتخت می‌شویم. اعتقاد غالب بر این است که نفوذ اندیشه‌های جدید از مهم‌ترین مسائلی هستند که بر جایگاه و وضعیت اجتماعی زنان تاثیرگذار بوده‌اند اما نگاهی به فعالیت‌های اجتماعی زنان نشان‌دهنده تداوم نقش تاریخی آنان در ایران از دوره باستان تاکنون است. به این معنی که ساختارهای اجتماعی سنتی ایران عاملی تعیین‌کننده در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان بوده است. برای نمونه بررسی نوع نگاه غرب نسبت به کنیزان و غلامان که به آنها به عنوان یک برده، نگاه می‌کرده‌اند؛ و مقایسه آنان با کنیزان در ایران که عضوی از خانه و اجتماع بوده و در مواردی با اربابان خود ازدواج می‌کرده‌اند؛ اهمیت برابری زن و مرد را در ایران نمایان می‌کند و این عکس تصور رایج است که می‌گوید ظهور اندیشه آزادی و قانون از اروپا به ایران، در نگاه ایرانیان نسبت به فعالیت‌های بیرون از خانه زنان نقش داشته است. با این وجود از دوران سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان سلطنت قاجار، تغییراتی در ساختار اجتماعی به وجود می‌آید. آموزش فنون جدید، گسترش فضاهای شهری و افزایش شهرنشینی و مهاجرت، مدرسه، روزنامه، وزارتخانه و نظایر آن، نوع فعالیت‌های زنان را تغییر داد. زنان با آگاهی از وضعیت زنان در جوامع دیگر سهم بیشتر از جامعه می‌طلبند و از سوی دیگر، سنت متصلب دوران قاجار امکان نظری و عملی تغییر در سنت را، برای بهره‌گیری از امکانات موجود در دل سنت، برای بهبود جایگاه زنان نمی‌دهد. بدین‌گونه است که مسایل اجتماعی زنان بیشتر رنگ و بوی اروپایی دارد. شیوه زندگی زنان در دوره قاجاریه این تصور

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان:  
Salmangh1362@gmail.com  
۲. کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه تهران:  
m.s.mollaii@gmail.com



را به وجود می‌آورد که زنان در فعالیتهای اقتصادی نقشی نداشتند. شواهد نشان می‌دهد که زنان در امور اقتصادی فعال بوده‌اند و برخی از طریق شغل‌هایی به تامین امور زندگی خود می‌پرداختند. فوران به نقل از گلیبار کار زنان را هم در کشاورزی و هم در صنایع دستی می‌داند؛ البته میزان مشارکت زنان در تولیدات اقتصادی در روستاها و عشایر بسیار بیشتر بوده و نمود بیشتری داشته است. زنان روستایی و عشایر در مزارع همپای مردان کار می‌کردند و در نگاه‌داری دام و تولیدات لبنی نقش، هم‌سنگ مردان و گاهی نقش بیشتری داشتند.

«گلیبار می‌نویسد: به تدریج که فعالیتهای پیشه‌وری و صناعی در طول سده نوزدهم میلادی (۱۱۷۹-۱۲۷۹)، کاهش یافت زنان نیز صنعت خانگی را رها کردند و دوشادوش مردان در مزرعه به کار پرداختند. در مجموع تولید پیشه‌وری و صنایع دستی که زن و مرد هر دو به آن کارها می‌پرداختند؛ در حد زیادی باقی مانده و ادامه یافته است. این نکته نه تنها در مورد پارچه‌بافی دستی و کفش‌دوزی صادق است بلکه به خصوص درباره فرش مصداق دارد. فرش برای مصرف خانگی و بازار محلی بافته می‌شد و به تدریج به یک صنعت دستی شکوفا در اواخر سده نوزدهم تبدیل گردید و بخش عمده این فراورده در روستاها تولید می‌شد» (فوران، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱).

در این مقاله پیش از پرداختن به فعالیتهای اجتماعی زنان، لازم است اندکی راجع به فعالیتهای اقتصادی آنان صحبت شود.

### فعالیت‌های اقتصادی زنان عصر قاجار

به نظر می‌رسد شرکت زنان در امور اقتصادی در وضعیت آنان در خانواده تاثیر داشت و باعث افزایش قدرت آنها می‌شد. البته در روستا و نظام قبایل، آزادی عمل بیشتری به زنان می‌داد. فوران در این باره می‌نویسد:

«زنان ایلات و عشایر بیش از سایر زنان ایرانی در فعالیتهای اقتصادی مداخله داشتند. به نوشته افشاری از نیروی زنان در فرایند تولید و مانند آن، استفاده می‌شود. زنان ایلاتی برخلاف زنان شهری و روستایی چندان به حجاب مقید نبودند و بدین ترتیب از خیلی جهات خاصه از منزلت و پایگاه و فعالیت، با مردان برابر بودند. لمبتون از آزادی به مراتب بیشتر آنان، در مقایسه با زنان شهری سخن می‌گوید؛ و کدی در مورد آزادی نسبی زنان ایلی مطالبی را بیان می‌کند» (فوران، ۱۳۸۳، ص ۸۳).

اما در باره زنان شهری شواهد بسیاری وجود دارد که آنها در فعالیتهای اقتصادی دخالت داشته و بسیار فعال عمل می‌کردند؛ «خانه اجاره می‌دهند و خانه کرایه می‌کنند» (شیخ‌رضایی، ۱۳۷۷، ص ۴۹، ۳۳۱-۱۰۱)، و حتی متهم به مال‌اندوزی هم می‌شوند (شیخ‌رضایی،

1. OAIS



۱۳۷۷، ص ۲۴۲).

در اسنادی که از دوران قاجار باقی مانده نیز موارد بسیاری از این نوع یافت می‌شود. مواردی نظیر مبیعه‌نامه، اجاره‌نامه، مصالحه‌نامه، ذمه‌نامه و غیره که همگی نشان می‌دهد، زنان در نظام اجتماعی ایران از گذشته‌های دور، دارای جایگاه مهمی بوده‌اند و ممنوعیت‌های زیادی درباره آنان وضع نمی‌شده است (رضایی، ۱۳۸۷، صص ۵۲، ۶۴، ۴۷). در روزنامه وقایع‌التفاهیه نمونه‌ای از زنی گزارش می‌شود که از طرف دربار به او امتیاز ایجاد کارگاه تولیدی و آموزشی اعطا شده است:

«زردوزی دور ملبس صاحب منصب نظامی راه، به قاعده رسوم دوخته و در کمال خوبی به عمل آورد که در این هفته به نظر اولیای دولت علیه رسانند... اولیای دولت علیه حکومت فرمودند که شاگرد بسیار نگه دارد و تا مدت ۵ سال احدی در عمل او شراکت ننماید» (روزنامه وقایع‌التفاهیه، ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۶۷).

علاوه بر این مشاغلی در فضای شهری بر عهده زنان بوده است. در بررسی اشتغال زنان باید به عامل طبقه اجتماعی آنان دقت نمود. اغلب اشتغال زنان وسیله‌ای برای تامین معاش‌شان بوده در نتیجه بیشتر مربوط به زنان طبقات پایین‌تر می‌شود. گرچه برخی مشاغل نظیر معلمی و ملا باجی استثنا هستند. «در سال ۱۳۲۰ ق. بعضی از زنان صاحب شغل بودند: معلمی، دلاکی، مرده‌شویی، دلالی، مامایی، تدریس اطفال، ملایی» (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۲۵۳). برخی مشاغل در نتیجه نیازهای خاص زنان بود. مثل سفیداب‌فروشی (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲)، روبنده و پیچه (همان) یا کلاه‌گیس فروشی.

«زن‌های اصفهانی در تهران گیس عاریه و کلاه‌گیس می‌فروختند. مشهور بود که این زن‌ها با مرده‌شوها بند و بست داشتند و همین‌که زن گیس‌بلندی می‌مرد، زن مرده‌شوی گیس‌های او را قیچی می‌کرد و به آن‌ها می‌فروخت. آن‌ها نیز گیس‌های عاریه را رنگ و حنا می‌بستند و با قیطان به هم می‌بافتند و دسته دسته به خانه‌ها می‌بردند و می‌فروختند» (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲).

در تهران بازاری وجود داشت که آنان می‌توانستند وسایل خود را برای فروش عرضه کنند؛ در تهران آن روزها، توی «مسجد شاه» و پشت «مسجد سپه سالار» و پشت «مسجد مروی» و مقابل «مسجد جمعه» بساط مخصوصی برای زن‌ها می‌انداختند. بیشتر فروشندگان زن بودند که با چادر و چاقچور و روبنده پای بساط می‌نشستند (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱). سوزن‌دوزی، دعانویسی (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸)، قصه‌گویی (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵)، از دیگر مشاغل زنان بود. زن‌های «دلاله» کارهای بسیاری انجام می‌دادند و درآمد قابل ملاحظه‌ای داشتند، «اما مهم‌ترین زن‌های کاسب‌کار، زن‌های دلاله بودند. بعضی از این دلاله



زن‌ها، کلیمی، بعضی هم مسلمان بودند» (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳). هم‌چنین در گزارش نظمیه از زنی شکایت برده می‌شود که کار دلالی می‌کرده است (شیخ رضایی، ۱۳۷۷، ص ۶۲۵). رایس هم در کتاب خود «از زن فروشنده‌ای یاد می‌کند که به امور احاطه داشته است و فروش اجناس را تا حد زیادی در دست خود داشت» (رایس، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰). حسن اعظام قدسی در خاطرات خود از زانی که به شیوه سنتی طبابت می‌کردند یاد می‌کند:

«در چهارراه گلوبندک تهران که بسیار معروف است، چه در بیرون (تکیه حاج رجبعلی)، و چه در خود تکیه، زانی در جلوخانه‌ای کوچک نشسته‌اند و تشکیل بیمارستان عمومی داده از مراجعین که عموماً بانوان می‌باشند؛ پذیرایی می‌شود...» (اعظام قدسی، ۱۳۴۲، ص ۴۹).

زنان به عنوان پلیس نیز خدمت می‌کردند. یحیی دولت‌آبادی در خاطرات خود از زن‌های خبرنگار کامران میرزا، نایب‌السلطنه و حاکم تهران می‌گوید «زن‌های خبرنگار دارد که از وجود آن‌ها استفاده می‌کند. چه از زن‌های عمومی و چه غیر آن‌ها ...» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۲۵، ص ۱۲۵). مونس‌الدوله در بیان خاطرات کودکی خود از زن کلاتر در شهر تهران یاد می‌کند. مونس‌الدوله هم‌چنین روایت‌های پلیسی تعریف می‌کند که حاجی گیلانی خانوم برایش تعریف کرده بود.

اغلب زنان طبقه متوسط از خدمه برای انجام کارهای خانه استفاده می‌کردند. در سال ۱۲۶۵ ش. شهر تهران با جمعیت تقریبی ۱۰۶۴۸۲ نفر و ۹۰۹۳ خانه، تعداد ۱۷۶۴۵ غلام و کنیز و خدمتکار وجود داشته است (اتحادیه، ۱۳۷۷). البته این بستگی به میزان مکت و ثروت افراد هم داشته است. برخی از هنگام ازدواج، شخصی را به عنوان خدمتکار به همراه دختر به خانه پسر می‌فرستادند (استرآبادی، ۱۳۷۱، ص ۹۰). این خدمتکاران یا از زنان مهاجر و حاشیه‌نشین شهر تهران بودند، یا از شهرستان‌ها زانی را برای کار می‌آوردند. این زنان اغلب در منزل ارباب می‌ماندند و ممکن بود ازدواج کنند و تا سال‌ها در کنار خانواده ارباب خدمت کنند. اما نکته مهم این که کنیزان در ایران، همواره به عنوان عضوی از اعضای خانه محسوب می‌شدند و هرگز هم‌چون مورد غرب، نسبت به آن‌ها بی‌احترامی صورت نمی‌گرفت. حتی در مواردی با اعضای خانه ازدواج می‌کردند (بهرامی، ۱۳۴۴، ص ۴۸؛ دروویل، ۱۳۶۴، ص ۶۹؛ مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰؛ شیخ‌رضایی، ۱۳۷۷، ص ۴۶۷). با وجود کنیز و خدمه، مسئولیت اصلی خانه با زن خانه بود و وظیفه کنترل و اداره امور و نظارت بر خدمه‌ها را بر عهده داشت. «تا پیش از مشروطه، یک زن کلاتر در تهران بود که به او حاجی گیلانی خانوم می‌گفتند. شلوار ماهوت آبی پا می‌کرد. پوتین پایش بود و کلاه پوست تخم‌مرغی سرش می‌گذاشت. یک قمه هم زیر سرداری می‌بست. حاجی گیلانی خانوم از طرف نظمیه آن وقت به کارهای زنانه رسیدگی می‌کرد و در حقیقت مفتش و کارآگاه زن بود» (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۹). عبدالله بهرامی رییس تأمینات



تهران، در سال‌های پس از مشروطه از سیستم پلیس مخفی، که زنان هم در آن حضور داشتند می‌نویسد: «بین این عده (پلیس مخفی) سه نفر زن هم بود، یکی از آن‌ها کلیمی بود که با لباس و قیافه یک نفر گدا در کوچه یا در خانه نشسته و وظیفه خود را با مهارت مخصوص انجام می‌داد. اسم این زن سارا بود و شگرد کار او این بود که یک سینی کوچکی پر از مهر و تسبیح و کیسه‌های تربتی و چند دستمال شاهی در مقابل خود قرار می‌داد و با گریه و زاری عابرین را دعوت به خرید این اشیا مقدس می‌کرد. برای خود یک حکایت سوزناکی هم اختراع کرده برای جمعیتی که به حرف‌های او گوش می‌دادند نقل می‌کرد؛ سارا با این حيله همیشه خود را به خانه‌های بعضی رجال و علما رسانیده و برای ما اطلاعات مفیدی تحصیل می‌کرد» (بهرامی، ۱۳۴۴، ص ۴۲۰).

## نمایش

از جمله عرصه‌های هنروری زنان نمایش بود اما تعزیه توسط مردان اجرا می‌شد. در تعزیه: «به دلیل حرمت‌ها، این دسته‌ها را فقط مردان می‌گردانند و زنان به‌هیچ روی در آن جایی نداشتند؛ نقش‌های زنان را، جوانان تازه سال و نازک صدا بازی می‌کردند، اما بین کودکان دخترچه‌های کمتر از نه سال نیز وجود داشتند (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۱۲۱).

اصطلاحاتی نظیر زن‌خوان، زین‌خوان، زن‌پوش و نظایر آن، براین امر دلالت دارد (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۲۳۳). به دنبال روضه‌خوانی‌های زنانه، تعزیه‌های زنانه نیز بروز کردند. مبدا زمانی عمومیت یافتن روضه‌خوانی‌های زنانه معلوم نیست. باید اشاره کرد که در جاهای مختلف ایران و نیز عراق عرب روضه‌خوانی زنانه هم وجود داشته است که زمان پیدایی آن به‌درستی روشن نیست. ولی معلوم است که از اواسط عصر قاجاریه، رسمیت داشته است. نام‌های تعدادی از روضه‌خوانان تا به امروز مانده است (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۷۳). تعزیه‌های زنانه که در خانه زنان اشراف صورت می‌گرفت ابتدا در خانه قمرالسلطنه دختر فتحعلی شاه و به دنبال مجلس‌های روضه‌خوانی زنانه پیدا شد و هر ساله در تمام عصرهای ده روز اول محرم برقرار بود» (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۱۶۰). فروغ‌الدوله دختر ناصرالدین‌شاه در نامه‌های خود به تعزیه اشاره دارد. «نقل کرایه فرش تعزیه همان دو تومانی است که من نوشتم» (فروغ‌الدوله، ۱۳۸۳، ص ۱۸).

در کتاب «نمایش در ایران» توصیفی از این نمایش وجود دارد:

«تعزیه‌ها در فضای باز حیاط و یا در تالارهای بزرگ منزل‌ها اجرا میشد. بازیگران کسانی بودند که قبلاً در مجالس زنانه روضه می‌خوانده‌اند و یا راه و رسم بازیگری و نقلی را پای چنین مجلس‌هایی آموخته بودند. لقب عمومی بازیگران «ملا» یعنی همان لقب زنان روضه‌خوان بود. از این شبیه‌خوان‌ها نام چندتایی مانده است چون ملا نبات (مخالف‌خوان) و ملا فاطمه و



ملا مریم» (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۱۶۰).

علاوه بر تعزیه اجرای نمایش‌هایی برای گرم کردن مجلس و سرگرم ساختن آن به کار می‌رفت. هنگامی که زن‌ها به مناسبت مهمانی یا جشنی در جایی جمع می‌شدند، چندتایی آن‌ها داستان‌های عامیانه‌ای را که برخی ساخته خودشان بود و برخی دیگر، اقتباس از رقص‌های داستان‌دار مطربان بود بازی می‌کردند. همه بازیگران و تماشاگران این نمایش‌ها زنان و بچه‌ها بودند (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۲۱۸). «عمو سبزی فروش»، «خاله رورو»، «زن آشیخ»، «عروس و مادر شوهر» یا «مادر شوهر بهانه‌گیر»، «گندم گل گندم»، «خاله دیگ به سر»، «خانه غربالی» (همان: بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۲۱۸). از جمله این نمایش‌های شادی‌آور بود (خسرو پناه، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲). با این وجود هنوز زنان حق ورود به نمایش‌های تئاتر را نداشتند. ورود زنان مسلمان به عرصه تئاتر مربوط به پس از انقلاب مشروطه است.

در این زمان، رسوم و سنت‌ها نقش محوری داشتند، به گونه‌ای که غالباً گفته می‌شود زنان عاملان انتقال آداب و رسوم به نسل‌های بعد هستند؛ و مسئولیت سنگینی در این باب بر عهده دارند. در جشن‌های ملی و مذهبی، سوگواری‌ها و عزاداری‌ها، مراسم خانوادگی نظیر عروسی، شب شش، ختنه‌سوران و نظایر آن، زنان مستدعیان اجرای آنان و مقید به آن بوده‌اند. شرکت در این جشن‌ها اوقات خوبی را برای زنان به همراه داشت. مونس‌الدوله درباره عید نوروز می‌نویسد:

«با کیفیت‌ترین اعیاد از حیث آداب و عوالم عید نوروز بود. از یکماه بعید مانده در سراسر شهر خاصه در اندرون شاهی ولولۀ شغف‌آمیزی حکم‌فرما و بساط عیش و سرور بر پا بود. اطلاق‌ها رفته و تمیز می‌گردید و هر کس به‌قدر مقدور، در فکر تهیه جامه‌های نو و زیور و آرایش‌های نوین بود» (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

در این روز رسوم خاصی اجرا می‌شد، که از خوردن غذایی خاص تا تفریحات خاص را شامل می‌شد. نجمی در کتاب دارالخلافة تهران می‌گوید:

«در شب روز عید خانم خانواده بهترین و مطبوع‌ترین غذاها را برای اهل خانه تدارک می‌دید و کم‌تر خانه‌ای بود که در شب عید و روز عید دیگ پلو و مرغ و رشته پلویش روی بار نباشد. رشته پلو را در روز اول سال می‌خوردند که سر رشته کارها به دستشان بیاید» (نجمی، ۱۳۷۱، ص ۴۹۲). «در مراسم میلاد شخصیت‌های مذهبی نیز، زنان نقش پررنگی داشتند. جشن میلاد حضرت فاطمه (س) از جمله جشن‌هایی بود که زنان متصدی آن بودند. این جشن توسط زنان اشراف انجام می‌گرفت و زنان قشرهای مختلف در آن حضور داشتند» (اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۶؛ مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۶۴-۶۲).



## تفریحات

میزان فراغت زنان از مسئولیت‌های خانه‌داری و مادری و مانند آن، تا حد زیادی به سبک زندگی و تمول مالی آن‌ها مرتبط است. دروویل درباره گذران اوقات فراغت زنان این‌گونه می‌گوید: «درباره کار و سرگرمی زن‌های ایرانی محترم چه بنویسم، آرایش [اغلب] وقت‌شان را می‌گیرد. معمولاً اوقات فراغت را روی قالی‌های بسیار زیبا می‌گذرانند و ... در آن جا قلیان می‌کشند، قهوه می‌نوشند، و به دید و بازدید می‌پردازند. آن‌گاه برای گردش به خارج شهر می‌روند و غالب اوقات تا اوایل شب در آن جا می‌مانند» (دروویل، ۱۳۶۴، ص ۶۹).

کارلا سرنا با دیدی انتقادی زنان و مردان را در این مورد با هم مقایسه می‌کند: «مرد ایرانی بیشتر در خارج از خانه زندگی می‌کند ... زن که افق محدودش اندرون است از مردش تقلید می‌کند و بیش از او از خانه خارج می‌شود» (سرنا، ۱۳۶۳، ص ۵۹).

بیشترین تفریحات زنان، گردهم آمدن و مهمانی‌های زنانه‌ای بود که ترتیب می‌دادند. در گزارش نظمیه نمونه‌های بسیاری از جمع‌های زنانه که با شادی و سرور بوده و تا چند ساعت از شب گذشته ادامه می‌یافته، گزارش شده است (شیخ رضایی، ۱۳۷۷، ص ۵۵۵، ۶۳۰، ۷۰۰). در جشن‌های زنانه، مطرب زنانه و کشیدن قلیان هم معمول بوده است (سرنا، ۱۳۶۳، ص ۵۹). در اندورن شاه از این دست جشن‌ها بسیار وجود داشته است (سهم‌الدوله، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱). لازمه بسیاری از تفریحات خروج از خانه بوده است. خارج شدن از خانه برای زنان به میزان زیادی بستگی به امنیت شهر داشته است. سرنا فضای شهری را این‌گونه توصیف می‌کند:

«زن‌ها هیچ‌گاه، و مردان نیز بسیار کم، شب از خانه خارج می‌شوند. هیچ‌گونه وسیله تفریحی در بیرون نیست. به همین سبب همگان شب را در خانه خود به سر می‌برند. بدین ترتیب پس از غروب آفتاب دیری در کوچه‌ها دیده نمی‌شود» (سرنا، ۱۳۶۳، ص ۶۱).

برای سفرنامه‌نویسان فرنگی حضور زنان در شهر متناقض می‌نمود از یک سو معتقد بودند که زنان محبوس اندرونی‌اند و از سوی دیگر در رفت و آمدهای خود بسیار آزادی دارند» (دوگوبینو، ۱۳۶۷، ص ۴۰۸).

دروویل حمام را یکی از بهترین مکان‌ها برای گذراندن وقت زنان می‌داند: «زن‌های ایرانی حمام را بهترین نقطه تجمع خود می‌دانند و همه روزه با یک دیگر در آن جا دیدار می‌کنند. هر شاه‌نشینی به گروه خاصی تعلق دارد و همواره پر از جمعیت است» (دروویل، ۱۳۶۴، ص ۶۵؛ گوبینو، ۱۳۶۷، ص ۴۰۸). پولاک می‌نویسد: «حمام برای بسیاری از زنان مرکز تجمع است. با هم به گفتگو و اختلاط پردازند و تازه‌ترین رویدادهای شهر را با یک‌دیگر در میان بگذارند. (پولاک، ۱۳۶۱، ص ۲۴۷) هم‌چنین برخی کارهای آرایشی را در حمام انجام می‌دادند (کتیرایی: ۵۰). از جمله کارهایی که در حمام انجام می‌شد حجامت بود (نجمی، ۱۳۷۱،





ص ۴۴۳). حمام رفتن ترتیبات خاص خود را داشته است و با تجملات خاصی همراه بوده است (دوگوبینو، ۱۳۶۷، ص ۴۰۸). مونس الدوله گردشگاه‌هایی که زنان اغلب به آنجا می‌رفتند را بر می‌شمرد: «بقعه بی‌بی زبیده» نزدیک شهر ری؛ «سید ملک خاتون» پشت دروازه خراسان؛ «امامزاده گل زرد یا آل علی» نزدیک دولاب؛ «امامزاده معصوم» (مونس الدوله، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹).

## انجمن‌های زنانه

شکل‌گیری انجمن‌ها و سازمان‌هایی که خارج از نظارت دولت، برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی سامان یابد زادهٔ انقلاب مشروطه و شرایط خاص ایجاد شده پس از آن است. گرچه انجمن‌های زنان با تاکید بر امر سیاسی در جریان انقلاب مشروطه شکل گرفته و فعالیت می‌کردند اما اطلاعاتی از آن‌ها در دسترس نیست و تنها نامی از انجمن مخفی آورده شده است.

«در اواخر دسامبر ۱۹۱۱م. انجمن‌های زنان اعلامیه‌هایی را در سراسر شهر پخش کردند و از مردم خواستند که در برابر اتمام حجت روسیه به اقدامی موثر دست زنند. زنان برای انتقام از دولت‌های اروپایی به قهوه‌خانه‌ها رفتند و از صاحبان این اماکن خواستند که مصرف شکر اروپایی را متوقف سازند و یا قهوه‌خانه‌ها را ببندند. استفاده از کالسکه اروپایی که عمدتاً وسیله انتقال زنان بود و نیز تنها خط‌آهن تهران و حضرت عبدالعظیم را تحریم کردند. بدین ترتیب چهار روز پس از اولتیماتوم روسیه، همه وسایل نقلیه آن روز کاملاً خالی ماند. در این میان روزنامه ایران نو در مقاله‌ای تحت عنوان مردانگی زنان گزارش داد که زنان به خیابان‌ها شتافته و واگن‌ها را متوقف کرده‌اند و از مسافران خواستند تا در تحریم کالاها و خدمات اروپایی شرکت جویند. زنان تاکید ورزیدند که تا زمانی که مسافران پیاده نشوند دست از ایشان بر نخواهند داشت و گاهی نیز به مسافران کمک می‌کردند تا از وسایل دیگری سود جویند» (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۶۱).

نمونه‌ای از «انجمن مخدرات وطن» است که مسئول آن محترم اسکندری است که «محترم اسکندری، پدرش از موسسین انجمن آدمیت و از فعالان نهضت مشروطه بوده است» (بامداد، ۱۳۴۷، ص ۴۷) که در آن فعالیت‌های سیاسی زیادی به چشم می‌خورد:

«انجمن مخدرات وطن در سال ۱۹۱۰م. بنیاد گردید و اعضا از تحریم کالا و وام خارجی حمایت کردند و به اقدامات نیکوکارانه‌ای چون تاسیس مدرسه دخترانه و احداث کلاس‌های آموزش بزرگسالان و دایر کردن یتیم‌خانه‌ها دست زدند» (همان: بامداد، ۱۳۴۷، صص ۲۴ و ۲۵). انجمن دیگری که از آن یاد شده «انجمن نسوان وطن» است که فعالیت‌های سیاسی هم داشته است.



«در تهران پنجاه هزار نفری ضمن اعلام اعتصاب به خیابان‌ها ریختند و هزاران زن، کفن پوشیده بودند آمادگی خود را برای جنگ و دفاع از ملت اعلام داشتند و انجمن نسوان وطن هدایت اعضای انجمن‌های دیگر را عهده‌دار شدند» (بامداد، ۱۳۴۷، صص ۴۷ و ۵۸).  
هم‌چنین گزارشی از انجمنی که بی‌بی خانم موسس آن بوده، آمده است.  
«در روز ۲۵ صفر ۱۳۲۸ق / ۷ مارس ۱۹۱۰م، بی‌بی خانم وزیرف، بنیانگذار دبستان دوشیزگان و از فعالان حقوق زنان، طی اعلامیه‌ای در روزنامه ایران‌نواز «خواتین وطن‌دوست» دعوت کرد تا هر هفته روز جمعه در خانه او «مجمع شده وطن‌خواهی خود را آشکار کنند» (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸).

### اعتراضات زنان

زنان در دوره قاجار که‌گاه و در مواقع حساس و مهم، دست به کنش‌های سیاسی جمعی نیز می‌زدند و ایفای نقش فعال آنان در مواردی هم‌چون جنبش تنباکو، نمایان‌گر این جریان است. هم‌چنین شورش‌هایی که به سبب قحطی و گرسنگی مردم شکل می‌گرفت در دوره ناصرالدین شاه به کرات وجود داشت. نجمی شرحی از یکی از این شورش‌ها می‌دهد:  
«گرسنگی شرم زنان را برده بود، شاه از شکار باز می‌گشت که انبوه جمعیت چند هزار نفری زنان جلوی او را گرفتند. آن‌ها نان می‌خواستند و پیش چشم شاه دکان نانوايي را غارت و چپاول می‌کردند، همین‌که شاه به قصر خود رسید به دستور او دروازه‌های شهر را بستند، روز بعد آشوب از نو برخاست و با وجود آن که دروازه‌ها را بسته بودند چند هزار نفر زن، هجوم آوردند و به ضرب سنگ و چوب دروازه‌بان را از پای درآوردند. [شاه] کلانتر را فراخواند و بی‌درنگ فرمان داد ... کلانتر را به طنابش انداختند و به دار کشیدند» (نجمی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۰).  
علاوه بر این موارد زنان در جنبش‌هایی هم که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است حضور پررنگی داشته‌اند. یکی از آن‌ها جنبش باب بوده است. «زرین تاج معروف به قره‌العین از رهبران برجسته جنبش بابی بود و رستمه نیز از سران قیام زنجان در سال ۱۸۵۰ بود» (ناهید، ۱۳۶۳، ص ۱۰). بهترین نمونه حضور زنان در عرصه عمومی و کسب تجربه فعالیت‌های سیاسی در واقعه تنباکو است. در جریان قیام مردم، شاه، میرزای آشتیانی را تهدید می‌کند که در صورت نکشیدن قلیان او را از تهران اخراج می‌کند. زنان در اعتراض به این عمل به طرف قصر سلطنتی می‌روند «زن‌ها وقتی به سبزه میدان رسیدند بدون معطلی به بازار ریختند و بعضی از دکان‌ها را که هنوز باز بود بستند. اگر کسی از این دستور سرپیچی می‌کرد دکانش در معرض غارت و چپاول زن‌ها قرار می‌گرفت» (ناهید، ۱۳۶۰، ص ۳۲؛ فوران، ۱۳۸۳، ص ۲۵۳).  
این حوادث تنها به تهران اختصاص نداشت. «در شیراز زن و دختر بچه‌ای به ضرب گلوله



پلیس کشته شدند» (فوران، ۱۳۸۳، ص ۲۵۱). اصفهانی کربلایی نیز شرح کاملی از حضور زنان در واقعه رژی می‌دهد (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶-۲۰۱).

حضور زنان ناصرالدین شاه و به‌ویژه انیس‌الدوله و جمله معروف وی در پاسخ به اعتراض ناصرالدین شاه که چه کسی به شما اجازه داده قلیان‌ها را بشکنید مبنی بر «آنکه مرا به تو حلال کرده» نشان از عمق باور دینی و نیز برتری این باور حتی بر دستورات شاهانه است.

### امور خیریه

در فهرست راهنمای وقف‌نامه‌های استان تهران دوران قاجار، تعداد ۱۱۶۰ مدخل، وجود دارد که نزدیک به ۱۷۰ مورد آن - یعنی ۱۵٪ - به نام زنان ثبت شده است. این زنان اغلب زنان طبقات بالا هستند و از مکتب مالی برخوردارند. برخی از شاهزادگان هم در آن بین دیده می‌شوند (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸). در گزارشی آمده است:

«زنان به منظور گردآوری پول برای پیشرفت خود به برگزاری کنفرانس‌ها و نمایش تئاتر پرداختند. در بهار سال ۱۹۱۰م، در پارک اتابک ۵۰۰۰ زن و از جمله چند زن اروپایی مبلغ چهار صد تومان جهت تاسیس مدرسه‌ای برای دختران یتیم و کلاس‌های آموزش بزرگسال و احداث درمانگاه زنان، جمع‌آوری کردند. در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۰م، نیز به منظور هماهنگ ساختن فعالیت مدارس دختران زنان کنفرانس‌هایی برگزار کردند» (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۴۲).

### روزنامه‌نگاری

تجربه زنان در عرصه روزنامه‌نگاری به سال‌های بعد از انقلاب مشروطه می‌رسد. نوع نگاه به زنان، شرایط سواد آنان و امثال آن، سبب شد، آن‌ها ورودی دیر هنگام به عرصه روزنامه‌نگاری داشته باشند. نشریاتی که زنان مدیر مسئول، سردبیر و ... بودند؛ موضوعات مورد بررسی آن، زنانه است و مخاطب آن هم اغلب زنان هستند. موضوعات مورد بررسی در نشریات زنان، اغلب موضوعاتی است که زنان را با شرایط اجتماعی و فرهنگی و گاه سیاسی جدید آشنا می‌کند و خواهان تغییر در شیوه زندگی آن‌ها می‌باشد. حضور زنان در عرصه روزنامه‌نگاری به نوشتن در نشریات زنان خلاصه نمی‌شود. در سال ۱۹۰۹م، یک رشته مقالات اساسی در روزنامه معروف ایران نو که به دموکراسی گرایش داشت انتشار یافت. یکی از زنان در مقالات خویش از شعر نیز سود می‌جست و تلاش می‌کرد تا مردان را وادار به پذیرش این فرض کند که همسران و مادران تربیت شده، شایستگی و توانایی بیشتری دارند» (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۴۶).

### انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه فعالیت‌های سیاسی و مدنی منسجمی حول یک خواست مشترک که تشکیل



مجلس شورای ملی بود شکل گرفت و گروه‌های مختلف برای دستیابی به آن ائتلاف کردند. زنان در انقلاب مشروطه به عنوان کنشگر سیاسی وارد شدند و طیف وسیعی از فعالیت‌ها (از مدنی تا مسلحانه) را به انجام رساندند. زنان با رعایت الگوهای معمول فعالیت می‌کردند (با رعایت حجاب و عرف رایج جامعه)، اما حضور مجدانه آنان دوشادوش مردان با وجود موانعی که وجود داشت بسیار جالب به نظر می‌رسد. فعالیت‌های سیاسی زنان را می‌توان به فعالیت‌های مدنی و اعتراضات سازمان یافته و مبارزات مسلحانه تقسیم کرد.

قبل از امضای فرمان مشروطیت گرایش زنان همانند تمامی نیروها، حول خواسته مجلس ملی شکل گرفت و عموماً در حمایت از رهبران مذهبی بود. هم زمان تحصن علما در عبدالعظیم، زمانی که مظفردین شاه از نهار خانه امیر بهادرخان بر می‌گشت، «زنان گرد کالسکه او را گرفته و فریاد می‌زدند: ما آقایان و پیشوایان دین را می‌خواهیم ...، ای شاه مسلمان بفرما روسای مسلمانان را احترام کنند» (کسروی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵). هم چنین در جریان دستگیری شیخ محمد واعظ در سال ۱۳۲۴ق، مردم خشمگین به سربازخانه‌ای که شیخ در آن زندانی بود، یورش بردند و او را آزاد می‌سازند. حضور زنان در این اقدام آن چنان چشمگیر بود که «فردای آن روز بنا به دستور عین‌الدوله از بیرون آمدن زنان جلوگیری می‌کردند» (دلریش، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴). علاوه بر این، گرایش‌های دیگری نیز در زنان وجود داشت. در جریان بست بازاربان و مردم در سفارتخانه انگلیس هم زنان فعال هستند (کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۴۵۴). هم چنین از کمک‌های مالی که زنان به متحصنین کردند؛ می‌گوید (کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۴۵۷). از مبارزات مسلحانه زنان در دوران استبداد صغیر نمونه‌های بسیاری نقل شده است (کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۵). روزنامه حبل‌المتین بارها از زنان قهرمان در لباس مردانه گزارش می‌دهد (خسرو پناه، ۱۳۸۲، ص ۶۸). این جریان به تهران ختم نمی‌شود و در دیگر شهرهای ایران نیز حضور زنان چشم‌گیر بوده است:

«در پی گسترش مبارزه مسلحانه مشروطه‌خواهان به گیلان، در بین نیروهای رزمنده‌ای که موفق شدند این منطقه را از کنترل استبدادطلبان خارج کنند؛ گروهی از زنان نیز حضور داشتند. آستیفیک دخترخوانده پیریم‌خان در خاطراتش از چگونگی تسخیر شهر رشت به وسیله رزمندگان مشروطه‌خواه به ۱۹ نفر زن و دختری اشاره می‌کند که مبارزان مشروطه‌خواه را یاری و همراهی می‌کردند» (خسرو پناه، ۱۳۸۲، ص ۷۰). ستارخان قهرمان مبارزه در تبریز نیز «نامه‌های تشکرآمیز زیادی از زنان دریافت داشت که در آن زنان تشکرات صمیمانه خود را ابراز می‌داشتند» (پاولویچ، ۱۳۵۷، ص ۵۶). در این دوران که تبریز تحت محاصره نیروهای محمدعلی شاه هم چنان مقاومت می‌کرد؛ زنان تبریز تحت عنوان کمیته زنان، وضعیت شهر را فریاد زدند (ناهد، ۱۳۶۰، ص ۸۲).



در جریان فتح تهران روزنامه تایمز لندن تلگرافی را به چاپ رساند که کمیته زنان ایرانی به سر ادوارد گری وزیر امور خارجه بریتانیا فرستاده بودند (ساناساریان، ۱۳۸۴، ص ۴۰). بعد از فتح تهران و تاسیس مجدد مجلس، گرچه زنان هم‌چنان در قانون اساسی از حق رای محروم بودند، همواره نمایندگان مجلس و طرح‌های آن‌ها را حمایت می‌کردند. در جریان اخراج مورگان شوستر از ایران «در تهران پنجاه هزار نفری ضمن اعلام اعتصاب به خیابان‌ها ریختند و هزاران زن در حالی که می‌گریستند و کفن پوشیده بودند آمادگی خود را برای جنگ و دفاع از ملت اعلام داشتند و انجمن نسوان وطن هدایت اعضای انجمن‌های دیگر را عهده‌دار شدند و تظاهرات عظیمی در سال ۱۹۱۱م. در اطراف مجلس به راه انداختند و زینب امین بانوی شاعر و بنیانگذار انجمن نسوان وطن و معلم مدرسه دخترانه دخترانه شاه آباد به قرائت شعرهای خویش که درباره وطن‌پرستی و دفاع از آب و خاک سروده بود پرداخت. خبرنگار نشریه تایمز تظاهرات زنان ایرانی در برابر مجلس و نیز تحریم کالاهای خارجی به وسیله آن‌ها را مرحله جدیدی در جنبش زنان ایران به شمار می‌آورد (آفاری، ۱۳۷۷، صص ۵۸-۵۷).

هم‌چنان از دیگر فعالیت‌های زنان که در جهت منافع ملی بوده تحریم کالاهای خارجی از سوی آنان است. در سال ۱۹۰۷م. که دولت خواستار تحریم کالاهای خارجی و استفاده از محصولات داخلی شدند (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۵۳). طی این فراخوان، زنان علاوه بر استفاده از منسوجات وطنی و جلوگیری از کاربرد کالاهای خارجی «در پی آن بودند تا قهوه‌خانه‌ها را متقاعدکنند، برای کاهش مصرف شکر وارداتی قهوه‌خانه‌های خود را تعطیل کنند» (ساناساریان، ۱۳۸۴، ص ۴۱). آفاری تحریم کالاهای خارجی توسط زنان را روایت می‌کند (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۶۱).

«زنان ملی‌گرای ایرانی، در جنبش حمایت از کالای بومی و عدم خرید منسوجات وارد شده اروپایی مشارکت کردند. این اقدام زنان به جنبش زنان هندی می‌مانست که در همین دوره کالاهای انگلیسی را تحریم کرده بودند» (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۱۳).

تاسیس اولین مدرسه دختران به دوران ناصری می‌رسد. «در دهه سال ۱۸۷۰م. بود که برای نخستین بار دختران مسلمان ایرانی در مدارس آمریکایی توفیق حضور یافتند و به تحصیل همت گماردند» (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۱۷؛ مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ص ۳۲۸). انقلاب مشروطه تأثیری بسیار زیادی بر گسترش مدارس داشت. مدرسه از جمله عناصر مدرنی بود که پیشینه‌ای تاریخی در ایران داشت و آموزش در متون دینی تأکید شده بود با این وجود تاسیس آن مصائب خود را داشت. مدارس دخترانه نیز در سال‌های بعد از انقلاب مشروطه تاسیس گردیده و به صورت خصوصی اداره می‌شده است. زنان مؤسس مدارس دخترانه و اداره‌کننده آن بودند. شیوه اداره آن هم به صورت خصوصی و از طریق پولی که دریافت می‌شد، بوده



است. به همین دلیل بسیاری از آن‌ها، با مشکل مالی برخورد می‌کردند و تعطیل می‌شدند. اداره مدارس دخترانه با مشکلات بسیاری همراه بوده است. علاوه بر مخالفت‌هایی که در قسمت تحصیل دختران توضیح داده شد، نوع مطالب که باید تدریس داده می‌شد و کمبود کتاب هم مشکلاتی را به همراه داشت. مدارس اولیه با کمبود معلم هم مواجه بودند. وزارت معارف هم کمک چندانی به این مدارس نمی‌کرد. در سال ۱۳۳۶ق مرکزی به نام دارالمعلمات در تهران تاسیس شد و مسئولیت، تربیت معلمان را بر عهده گرفت و اندکی این مشکل را حل نمود (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲). مواد آموزشی در دبستان چون مکتب‌خانه تنها بر سواد قرآنی یا آموختن متون اخلاقی و قرآن خلاصه نمی‌شد. آنچه در دبستان قرار بود آموزش داده شود با رویکرد جدید بود و مفاهیم نوینی که در انقلاب مشروطه تبلیغ و تاکید می‌شد بر آن تاثیر داشت. اولین مدرسه‌ای که توسط زنان ایرانی تاسیس شد در اواخر سال ۱۳۲۴ق. بود. این روند با تاسیس مدارس دیگر ادامه یافت چنان‌که «در بیستم ژانویه ۱۹۰۷م، در ضمن برگزاری یک گردهمایی بزرگ در تهران زنان قطعنامه‌ای را که شامل دو بند بود تصویب کردند» (آفاری، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

در نتیجه، مخالفت‌های بسیاری در برابر تاسیس مدرسه و آموزش دختران صورت گرفت. ناظم‌الاسلام کرمانی از زبان سید محمد صادق طباطبایی - نماینده مجلس - در این باره می‌گوید:

«چیزی که مانع ایجاد و احداث مکاتب دخترهاست نبودن اداره نظمیه و نداشتن پلیس مرتب و مصادف شدن دخترها با اشرار در هنگام ایاب و ذهاب و ممانعت معاندین و تهیه نکردن زنان معلمه با اخلاق و ترتیبات صحیح و کتب کلاسی و عدم امنیت و مانند آن» (کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰).

دختر بی‌بی‌خانم نمونه‌ای از مخالفت‌ها در دوران استبداد صغیر را در خاطرات خود بیان می‌کند:

«هنگامی که مجلس را به توپ بستند یکی از روحانیون در شاهزاده عبدالعظیم سر منبر رفت و فریاد زد: وا شریعتا که مملکت مشروطه شد. روزی هم فریاد زد: بر آن مملکتی باید گریست که در آن دبستان دوشیزگان باز شده است» (ملاح، ۱۳۸۵، ص ۲۶).

البته زنان نیز در برابر این مخالفت‌ها مقاومت نموده و تسلیم نشدند. بی‌بی‌خانم به پیشنهاد مخبرالسلطنه هدایت (وزیر وقت معارف) تابلوی مدرسه را پایین می‌کشد، و در تابلوی آن می‌نویسد: «در این دبستان دختر از چهار تا شش سال پذیرفته می‌شود» (ملاح، ۱۳۸۵، ص ۲۷). هم‌چنین نامه‌ای به وکلای مجلس می‌نویسد، و لچک سرش را برای آن‌ها می‌فرستد، که در آن این‌گونه نوشته بود: «یا برای حفظ مشروطه پایداری کنید یا لچک مرا سر کنید (ملاح،

۱. «در اوایل ماه صفر ۱۳۲۵ ق. ۵ / مارس ۱۹۰۷ م، «دبستان دوشیزگان» توسط بی‌بی‌خانم وزیرف - همسر موسی خان میرپنج - که زاده قفقاز و دانش‌آموخته در آن سامان بود در تهران گشایش یافت و «اعلان» تاسیس و چگونگی فعالیت آن دبستان در روزنامه مجلس به چاپ رسید. دبستان دوشیزگان، دانش‌آموزان دختر بین سنین هفت الی دوازده ساله را می‌پذیرفت و دارای پنج آموزگار زن بود (خسروپناه، ۱۳۸۲، ص ۳۳). خدیجه افضل وزیری دختر بی بی خانم در خاطرات خود درباره شکل کلاس‌ها و مدرسه توضیحاتی می‌دهد:

«برادرم حسینعلی‌خان روش کلاس‌بندی را از روی کلاس‌های قزاقخانه به ما آموخت، یعنی شکل دو ردیف نیمکت و میز مقابل آن، در دو طرف اطاق، و در مقابل قسمت بالای اطاق میز معلم و صندلی پشت میز را به طوری که روبروی بچه‌ها باشد» (ملاح، ۱۳۸۵، ص ۲۵).



۱۳۸۵، ص ۲۷). حضور زنان در جامعه محدودتر از مردان اما با ایفای نقش‌های اجتماعی همراه بوده است. تفکیک جنسیتی در فضای عمومی رعایت می‌شده است» (سرنا، ۱۳۶۳، ص ۵۰). حتی پزشکان هم زنان را بدون دیدن معالجه می‌کرده‌اند (پولاک، ۱۳۶۱، ص ۱۵۷). مردان نیز متقابلاً در برخورد با زنان می‌بایستی پاک چشمی از خود نشان می‌دادند (پولاک، ۱۳۶۱، ص ۱۱۷). عبور و مرور زنان در شهر با تمهیداتی بوده است. زنان با حجاب کامل در شهر ظاهر می‌شدند و از زمان ایجاد سامانه حمل و نقل شهری جایگاه‌های ویژه و جدایی برای زنان در نظر گرفته شده بود. «تعداد زیادی درشکه و کالسکه که سابقاً ناشناخته بود در خیابان‌ها و معابرش رفت و آمد می‌کرد. دیری نگذشت که خیابان‌های تهران دارای واگن‌های اسبی شد که در آن کوبه‌هایی اختصاصی برای بانوان داشت که دارای حجاب و نقاب بودند» (فمی‌تفرشی، ۱۳۶۹، ص ۷۴). «البته جایگاه خانم‌ها از محل مردها جدا بود» (نجمی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۳). «واگن به طول ۷ متر اختصاص به زن‌ها داشت که می‌بایست جدا از مردان مسافرت کنند، و ۸ واگن به مردها تعلق داشت» (نجمی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۵). حضور زنان در شهر گاهی با مزاحمت‌هایی همراه بود (شیخ‌رضایی، ۱۳۷۷، ص ۵۷۱).

## نتیجه

آن‌چنان‌که از منابع بر می‌آید، حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی طی دوره دوم قاجاریه بسیار چشم‌گیر بوده است و بر خلاف دیدگاه رایج که معتقد است زنان در دوره قاجاریه بنابر سنت‌های رایج هیچ‌گونه فعالیتی در اجتماع نداشته و نقش زنان در تمامی تحولات تاریخی دوران قاجاریه، کم‌رنگ و در مواردی هیچ است را، زیر سوال می‌برد. از این رو باید گفت که اگر چه در دیدگاه رسمی فعالیت‌های زنان به امور خانه‌داری محدود می‌شد اما آنان فعالانه در مقاطعی حساس از تاریخ معاصر ایران نقش حساس خود را ایفا کرده‌اند. البته این حضور دایمی و مداوم نبوده است. عمده فعالیت‌های اجتماعی زنان در عرصه عمومی به سال‌های بعد از انقلاب مشروطه بر می‌گردد. شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد انقلاب را برای زنان، به حساب آورده شدن آن‌ها در اجتماع دانست. نمی‌توان منکر شد زنان همیشه در جامعه حضور داشتند و به ایفای نقش می‌پرداختند، اما شکل خاصی از ارتباط حقوق و تکالیف شکل گرفت که متفاوت از گذشته بود.

## منابع

- (بی تا). عقاید النساء و مرآت البلهاء. (محمدکتیرایی، کوششگر). تهران: چاپخانه ارزنگ.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۷). اینجا طهران است. تهران: نشر تاریخ ایران.



- استاد ملک، فاطمه (۱۳۶۷). حجاب و کشف حجاب در ایران. تهران: مطبوعاتی عطایی.
- استرآبادی، بی بی خانم (۱۳۷۱). معایب الرجال. (افسانه نجم‌آبادی؛ محمد توکلی طرقي، ویرایشگر). شیکاگو.
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۷۱). «پیشگفتار» در: مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش سازمان اسناد ملی ایران. خشونت و فرهنگ (اسناد کشف حجاب).
- اصفهانی کربلایی، شیخ حسن (۱۳۸۲). تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو. (رسول جعفریان، کوششگر). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (بی تا). المآثر و الآثار. بی جا. کتابخانه سنایی.
- اعظام قدسی (اعظام الزواره)، حسن (۱۳۴۲). خاطرات من. تهران: چاپخانه حیدری.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۷). انجمن‌های نیمه سری زنان. (جواد یوسفیان، مترجم). تهران: بانو.
- آقاپور، امیر حسین (۱۳۷۷). بررسی مردم‌نگارانه ویژگی‌های دوره ناصری (قاجاریه) ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه.ق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته مردم‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷). (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: کتابفروشی زوار.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار. (محمد طاهر میرزا، مترجم؛ تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام). تهران: اطلاعات.
- بهرامی، عبدالله (۱۳۴۴). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران از زمان ناصرالدین شاه تا آخر سلسله قاجاریه. تهران: کتابخانه سیاسی.
- بیضایی، بهرام (۱۳۴۴). نمایش در ایران. تهران: چاپ کاویان.
- پاولویچ، م. سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران. م هوشیار.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). (کیکاووس جهاننداری، مترجم). تهران: خوارزمی.
- تاج‌السلطنه (۱۳۶۱). خاطرات تاج‌السلطنه. (منصوره اتحادیه (نظام مافی)؛ سیروس سعدوندیان، کوششگران). تهران: نشر تاریخ ایران.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۲). تذکره اندرونی، شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی اول. تهران: قصیده سرا.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲). هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی. تهران: پیام امروز.





- دروویل، گاسپار (۱۳۶۴). سفر در ایران. (منوچهر اعتماد مقدم، مترجم). تهران: شباویز.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵). نقش زن در دوره قاجار. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر (مدیریت پژوهش).
- دوگوینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷). سفرنامه دوگوینو. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی. تهران: عطار و فردوس.
- دیولافوا، ژان (۱۳۶۴). ایران کلد و شوش. (علی محمد فره‌وشی، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، امید (۱۳۷۸). هزار نامه- فهرست قباجات دوره قاجاریه (۱۲۱۲-۱۳۹۹ق). اهدایی میرزا محمد کاظمینی به امامزاده جعفر. با همکاری مریم عظیم و علیرضا اسلامی کلانتر. قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.
- رنه دالمانی، هانری (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. (فره وش، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران. (غلامرضا سمیعی، مترجم). تهران: نو.
- سهام‌الدوله، یارمحمدخان (۱۳۷۴). سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی. (قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، کوششگر). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹). سیاحتنامه شاردن (ده جلد). (محمد عباسی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- شیخ رضایی، انسیه (۱۳۷۷). گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافة (۱۳۰۳-۱۳۰۵ق). جلد اول. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- شیل، مارس لئوبوراولف لیدی (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل، همسر وزیر مختار در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه. (حسین ابوترابی‌ان، مترجم). تهران: نشر نو.
- فروغ‌الدوله (۱۳۸۳). نامه‌های فروغ‌الدوله مشهور به ملکه ایران، دختر ناصرالدین شاه. (ایرج افشار، کوششگر). تهران: نشر و پژوهش فرزاد.
- فوران، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران. (احمد تدین، مترجم). تهران: رسا.
- کدی، نیکی (۱۳۸۱). ایران دوره قاجار و برآمدن رضاخان (۱۳۰۴-۱۱۷۵). (مهدی حقیقت خواه، مترجم). تهران: ققنوس.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۸۴). تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۲). تاریخ مشروطه ایران. تهران: نگاه.
- کولیور رایس، کلارا (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. (دکتر اسدالله آزاد،



- مترجم). تهران: کتابدار.
- معیرالممالک، دوستعلی‌خان (۱۳۷۲). یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه. تهران: نشر تاریخ ایران.
  - ملاح، مهرانگیز (۱۳۸۵). خدیجه افضل وزیری دختر بی‌بی خانم استرآبادی. تهران: شیرازه.
  - ممتحن‌الدوله (۱۳۶۲). خاطرات ممتحن‌الدوله، زندگینامه میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شقاقی. (حسینقلی خان شقاقی، کوششگر). زیر نظر ایرج افشار. تهران: نشر فرهنگ.
  - مونس‌الدوله (۱۳۸۰). خاطرات مونس‌الدوله، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه. (سیروس سعدوندیان، کوششگر). تهران: زرین.
  - ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰). زنان ایران در جنبش مشروطه. تهران: احیا.
  - نجمی، ناصر (۱۳۷۰). طهران عهد ناصری. تهران: عطار.
  - هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه). (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.

